

بررسی تأثیر مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی (شرکت‌ها) بر سطح هزینه خانوارهای شهری و روستایی با استفاده از تحلیل داده-ستانده

مهدی صادقی شاهدانی

عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام (نویسنده مسئول)

sadeghi@isu.ac.ir

مجید مداح

عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری دانشگاه سمنان

majid.maddah@semnan.ac.ir

معین اکبرزاده

دانشجوی دکتری رشته اقتصاد دانشگاه سمنان

m.akbarzade781@gmail.com

در شرایط فعلی کشور که روز به روز تحریم‌ها بیشتر و زندگی برای اقشار کم درآمد سخت تر می‌گردد، هرگونه تصمیم و سیاست‌گذاری دولت بدون تخصص و تجربه کافی می‌تواند تبعات زیادی برای جامعه به دنبال داشته باشد. نظام مالیاتی ایران شامل انواع مالیات می‌باشد که به طور مستقیم و غیر مستقیم اخذ می‌شود و هر کدام تأثیرات خود را در جامعه و نظام بازار می‌گذارد. تعیین نحوه اخذ و همچنین تعیین نرخ مناسب مالیات از مواردی است که دولت باید متخصصانه و براساس تحقیق و تجربه با آن برخورد کند؛ در غیر این صورت روز به روز شاهد افزایش نابرابری و یا بی انگیزگی تولیدکنندگان خواهیم بود. در این تحقیق با بهره‌گیری از تحلیل داده ستانده و با استفاده از تطبیق استانداردهای COICOP و ISIC تأثیرات مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی (شرکت‌ها) بر هزینه دهک‌های مختلف خانوارهای شهری و روستایی مورد بررسی قرار گرفته است. برای این امر از جدول داده ستانده سال ۱۳۸۹ و آمار هزینه درآمد خانوارهای شهری و روستایی در سال ۹۵ استفاده می‌شود. نتایج حاکی از آن است هرگونه کاهش یا افزایش در مالیات بر اشخاص حقوقی (شرکت‌ها) به خاطر انعکاس در قیمت محصولات، مستقیماً به مصرف‌کننده انتقال می‌یابد و اصابت مالیاتی به شکلی دیگر رقم می‌خورد. در این میان با بالا رفتن مالیات، افزایش هزینه بیشتری شامل حال قشر کم درآمد خواهد شد که نتیجه اش شکاف طبقاتی و نارضایتی در جامعه خواهد بود.

طبقه‌بندی JEL: E52، C01

واژگان کلیدی: مالیات- هزینه- داده ستانده- درآمد شرکت‌ها- توزیع درآمد

۱. مقدمه

دست نامرئی آدام اسمیت^۱ و عدم دخالت دولت و نظریه‌های اقتصاد رفاه در اقتصاد آزاد و الغای مالکیت خصوصی ابزار تولید (سرمایه) در اندیشه سوسیالیزم، همواره بیانگر دغدغه متفکران اقتصادی درباره رفع اختلاف طبقاتی و برقراری زندگی خوب و قابل قبول برای خانوارها در سطوح مختلف درآمدی بوده است.

به نظر راولز^۲ نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی تحمل نمی‌شود مگر اینکه دو شرط برقرار باشد: نخست، این نابرابری‌ها باید مختص به مناصب و مشاغلی باشد که تحت شرایط برابری عادلانه کلیه فرصت‌ها، باب آن برای همگان گشوده باشد. دوم، منافی به حال پایین‌ترین سطح جامعه (فقرا) داشته باشد. مثلاً برای عده‌ای و خاصه محرومان جامعه، جبران‌کننده‌ای وجود داشته باشد (بلوم، ۱۳۷۳). نوزیک^۳ از دولت حداقلی دفاع می‌کند و معتقد است دولت کوچک می‌تواند تا مقداری ضامن امنیت حقوق مطلق فردی باشد. او تشکیل انجمن‌ها و اجتماعات برای حمایت متقابل را پیشنهاد می‌کند که هر عضو با پرداخت پولی به عضویت انجمن در می‌آید و خود را از حمایت آن انجمن بهره‌مند می‌سازد (رضاقلی زاده و آقایی، ۱۳۹۴).

از قدیم یکی از روش‌های دولت‌ها و حکام برای از بین بردن نابرابری‌ها و تأمین هزینه‌های اداره کشور مالیات بوده که دولت‌های امروزی هم به روش‌های گوناگون آن را اخذ و در امور جاری صرف می‌کنند. بدون تردید مالیات و نظام مالیاتی می‌توانند نقش مؤثری در روند توسعه کشور داشته باشند. اصولاً توسعه به معنی به ارمغان آوردن رفاه اجتماعی برای توده‌های مردم است. زمانی که مردم عادی بتوانند نیازهای ضروری زندگی خود، مانند مسکن، غذا، بهداشت، آموزش، امنیت و... را تأمین کنند.

-
1. Adam Smith
 2. Rawls
 3. Nozick

کاهش نابرابری‌ها در توزیع درآمد و ثروت نیازمند ابزارهای سیاستی است. در یک کشور در حال توسعه، مالیات‌ها مؤثرترین وسیله جهت انتقال منابع به بخش دولتی و هدایت آن‌ها به سمت طرح‌های مولد و سرمایه‌گذاری‌های پربازده است و لازم است نظامی هوشمند و تیزبین در امور مالیاتی کشور وجود داشته باشد. سیستم مالیاتی به عنوان شریان حیات اقتصادی، دولت‌ها را در رفع نیازهای اقتصادی و معیشتی مردم یاری می‌دهد. در تعالیم اسلامی نیز از این ابزار به عنوان عاملی مؤثر برای رونق بخشیدن به کسب و کار و تولید و در نهایت تحقق توسعه اقتصادی و رفع فقر یاد شده است.

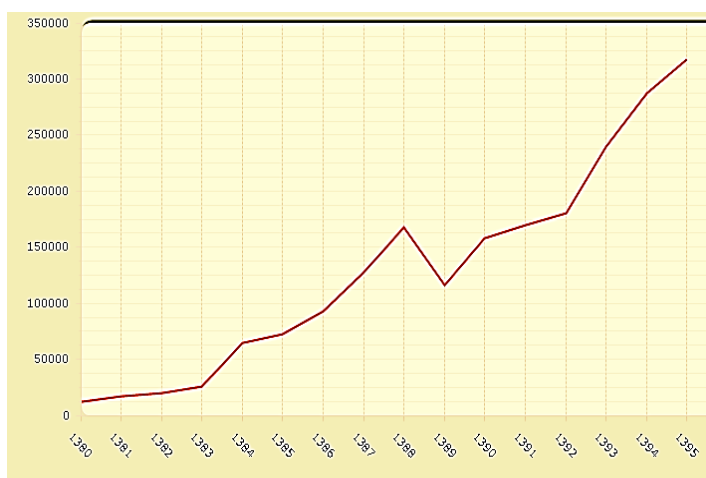
شرایط کنونی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و تجربه کاهش درآمدهای نفتی و کسری بودجه دولت موجب گردید که اهمیت عدم وابستگی به درآمدهای ناپایدار و لزوم تکیه بر منابع جایگزین داخلی بیش از پیش خود را نشان دهد. یکی از اصلی‌ترین این منابع، درآمدهای مالیاتی است که نقش بی‌بدیل آن در اقتصاد کشور در سال‌های اخیر آشکارتر شده است. مالیات به دلیل کارکردهای چندگانه آن، نقش بسیار مهمی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی (کارکردهای اقتصادی)، تأمین مالی بودجه دولت (کارکرد بودجه‌ای) و تأمین عدالت (کارکرد اجتماعی) دارد و بدین ترتیب می‌تواند سهم قابل توجهی در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی داشته باشد. اگرچه اقدامات بسیاری در طول یک دهه گذشته در جهت توسعه و مدرن‌سازی نظام مالیاتی کشور انجام شده، اما با این حال، به نظر می‌رسد نظام مالیاتی کشور ظرفیت‌های زیادی برای شکوفایی دارد که با بالفعل شدن آنها، بدون شک بخش قابل توجهی از مشکلات کشور حل شده و اهداف مدنظر در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی محقق خواهد شد.

از مهمترین اقسام مالیات که توسط دولت اخذ می‌شود، مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی است که در نگاه کلان باید در جهت افزایش رفاه جامعه صورت گیرد. مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی، سهم عمده‌ای در سبد درآمدهای مالیاتی دولت در کشور ما دارد. بررسی عملکرد نظام مالیاتی کشور نشان می‌دهد درآمدهای مالیاتی مستقیم و غیرمستقیم طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۸۴ با رشد متوسط ۱۹/۲ درصدی از ۱۳۴/۵۷۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۴ به رقم ۷۸۱/۹۳۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۴ افزایش یافته است. در این دوره متوسط سهم پایه درآمد از مالیات‌های مستقیم

حدود ۹۴ درصد و رشد متوسط آن نیز حدود ۱۷ درصد بوده است. همچنین در این دوره متوسط سهم پایه ثروت از مالیات‌های مستقیم حدود ۶ درصد و رشد آن نیز به طور متوسط ۱۹ درصد بوده است (حسنی، زمانیان و رحیمی، ۱۳۹۵).

طبق آمار بانک مرکزی ۱۰۱ هزار میلیارد تومان درآمد مالیاتی ایران در سال ۱۳۹۵ بوده است که سهم ۶۹/۵ درصدی از کل درآمدهای کشوری را در بر می‌گرفته است. سهم مالیات‌های مستقیم در کل درآمدهای مالیاتی حدود ۴۹ درصد برآورد شده است و مالیات‌های غیر مستقیم حدود ۵۱ درصد از کل مالیات‌های اخذ شده را به خود اختصاص داده است. در گروه مالیات‌های مستقیم سهم مالیات بر درآمد در کل درآمدهای مالیاتی معادل ۱۴ درصد و سهم مالیات بر ثروت در کل درآمدهای مالیاتی معادل ۲/۶ درصد بوده است.

در گروه مالیات‌های مستقیم در مالیات‌های بر درآمد سهم مالیات بر مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی (تولید) معادل ۳۱۷۴۹۰/۴ میلیارد ریال بوده است که ۳۱/۳ درصد از کل درآمد مالیاتی بوده و بدین معناست که این مالیات حدود ۶۰ درصد از مالیات‌های مستقیم را به خود اختصاص داده است. نمودار زیر روند تغییرات مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی (شرکت‌ها) را در دو دهه اخیر نشان می‌دهد.



نمودار ۱. روند تغییرات مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی (شرکت‌ها)

مأخذ: اطلاعات سری زمانی اقتصادی بانک مرکزی

بازبینی و رصد کارایی سیاست‌های مالیاتی در خارج و داخل^۱ و اقداماتی که در جهت تحقق اهداف عالیه صورت می‌گیرد، سبب پیشرفت و دستیابی به ثمرات شایسته می‌شود و از خطاها و تصمیمات غلط جلوگیری می‌کند. از آن جایی که مهمترین نقش سیاست مالیاتی به عنوان ابزار توزیع مجدد، کاهش نابرابری‌ها و اختلاف طبقاتی و برقراری جامعه‌ای حق مدار است، بر این اساس، در این مطالعه قصد داریم تا رابطه بین سیاست‌های مالی - از مسیر تغییر در مالیات‌های مستقیم - و نابرابری درآمدی را به صورت تجربی در ایران مورد مطالعه قرار دهیم. یعنی می‌خواهیم اصابت مالیات بر تولید (یا همان مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی) را بر دهک‌های مختلف بررسی کنیم تا میزان انطباق این سیاست مالی با اهداف حقیقی آن را بسنجیم. با روشن شدن این تأثیرات و اندازه‌گیری تغییرات هزینه شهروندان و روستانشینان می‌توان تدابیری اندیشید و اقداماتی را برنامه‌ریزی کرد تا نابرابری در سطح جامعه برطرف شود و همه مردم دارای حداقل‌های معیشتی باشند.

لذا با توجه به نقش و اهمیت بسیار بالای مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی، در مجموع درآمد مالیاتی و تأثیرات قابل توجهی که روی توزیع درآمد در جامعه می‌گذارد، مطالعه حاضر با استفاده از آمارهای مرکز آمار ایران و بانک مرکزی و با بهره‌گیری از جدول داده ستانده به بررسی و تجزیه و تحلیل این تأثیرات می‌پردازد و قدمی در جهت برقراری عدالت اقتصادی بر می‌دارد. قسمت‌های مختلف این مقاله به شرح زیر است: بخش اول به مبانی نظری مالیات و مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی (شرکت‌ها) می‌پردازد. بخش دوم به مطالعات انجام شده در

۱. بررسی سهم مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی (شرکت‌ها) در کشورهای OECD نشان می‌دهد که متوسط سهم این نوع درآمد از کل درآمدهای مالیاتی در دهه گذشته (از سال ۲۰۱۷-۲۰۰۸) در این کشورها که کشورهای توسعه یافته‌ای همچون نروژ، سوئیس، ایرلند، استرالیا، آلمان و ... را نیز شامل می‌شوند از ۱ تا ۸ درصد تغییر می‌کند و میانگین دوره در متوسط OECD نیز حدود ۳ درصد است. با توجه به آمارهای ارائه شده متوسط مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی (شرکت‌ها) در کشور ما فاصله قابل توجهی یعنی بیش از ۲۰ درصد از بالاترین درصد کشورهای OECD اختلاف دارد. (منبع: data.oecd.org/tax و بانک مرکزی).

داخل و خارج در این خصوص، اختصاص دارد. بخش سوم به روش‌شناسی تحقیق می‌پردازد. بخش چهارم به ارزیابی تأثیر مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی (تولید) بر سطح هزینه خانوارها و تحلیل نتایج و در نهایت بخش پایانی به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها اختصاص دارد.

۲. مبانی نظری

دولت در هر کشوری وظیفه دارد دغدغه‌های اساسی زندگی مردم، مانند مسکن، اشتغال، آموزش، تغذیه، بهداشت و درمان، امنیت و... را مرتفع سازد و به‌طور کلی رفاه مردم را بدون زیر پا گذاشتن حقوق مردم کشورهای دیگر برقرار سازد. مشخص است که انجام این خدمات هزینه‌بر است و باید به شکلی تأمین شود. از طرفی نیز برقراری برابری در جامعه و جلوگیری از اختلاف طبقاتی نیاز به ساز و کاری دارد تا از رشد بیش از حد عده‌ای و تضعیف عده‌ای دیگر ممانعت شود. یکی از ابزارهای اصلی که دولت برای دستیابی به اهداف ذکر شده «مالیات» است. مالیات یکی از منابع درآمدی دولت و ابزار برقراری ثبات اجتماعی است که بنا به اقتضائات و صلاحیدهای مختلف در یک جامعه در قالب‌های گوناگون طراحی شده است. تعیین نرخ مالیات از مسائل مهمی است که نیاز به تخصص و کارشناسی دارد و اگر درست تعیین نشود می‌تواند تبعات زیادی برای آن جامعه داشته باشد. نظام مالیاتی باید به گونه‌ای عمل کند که رفاه و برابری را برای مردم جامعه به ارمغان آورد تا یک اتفاق نظر بین دولت و مردم برای پرداخت مالیات به وجود آید و فرار مالیاتی و دیگر مشکلات احتمالی رنگ بازد. مالیات یکی از ابزارهای کلیدی و مهم تحقق رفاه اجتماعی است که باید در رأس سیاست‌های دولت قرار گیرد. اگر به اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته که از لحاظ رفاهی در سطح خوبی قرار دارند نگاهی بیندازیم، درمی‌یابیم که سیاست‌های مالیاتی مدون و با ضمانت اجرایی قدرتمند یکی از عوامل ضروری ایجاد رفاه در جامعه است. نظام مالیاتی منسجم و هوشمند منجر به برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی، کاهش فقر و بهبود رفاه عمومی می‌گردد.

با وصول منطقی مالیات و توزیع مناسب آن بین طبقات مختلف جامعه شکاف درآمدی بین گروه‌های درآمدی جامعه کم‌تر خواهد شد. بر همین اساس مالیات به مثابه ابزار تنظیم سیاست‌های مالی

برای ایجاد تعادل مورد نظر در سطح کلان اقتصادی و ایجاد رفاه برای اقشار گوناگون اهمیت می‌یابد به گونه‌ای که بتواند شرایط مناسب جهت رشد و توسعه اقتصادی هماهنگ را فراهم بیاورد. در تمام کشورهای پیشرفته صنعتی، مقوله توسعه در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی، پیوند نزدیک و ناگسستی با پرداخت مالیات دارد. در کشورهای توسعه یافته‌ای چون نروژ، بریتانیا و آمریکا با این که از منابع نفتی برخوردارند، مالیات به عنوان اساس درآمدهای دولت، نقش مهمی را در فراهم نمودن رفاه بازی کرده است. علت آن است که مالیات دارای ثبات و خطرپذیری کمتری نسبت به دیگر منابع است و این نقش را درآمدهای نفتی و مشتقات آن نمی‌توانند به خوبی داشته باشند.

دولت باید با طراحی نظامی دقیق در بخش درآمدهای خود، به‌خصوص در قسمت مالیات، هم بتواند منابع لازم برای مخارجش را تأمین کند و هم به تقویت بخش‌های مولد و بالا بردن تولید ناخالص ملی کمک کند که نتیجه آن پیشرفت صنایع، کاهش هزینه‌ها و بالارفتن رفاه خواهد بود. از منظر عرضه کالاها و خدمات، مالیات یکی از عوامل مؤثر بر فضای کسب و کار است. کارآفرینان، مالیات را به عنوان یکی از هزینه‌های تولید تلقی می‌کنند؛ بنابراین، اخذ مالیات بر فعالیت‌های تولیدی اثر مستقیم منفی دارد. وضع مالیات باید به نحوی باشد که انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش ندهد که نتیجه آن کاهش تولید و اشتغال یا افزایش قیمت‌ها در جامعه خواهد بود. این مسأله به قدری حیاتی است که امروزه یکی از راه‌های جذب سرمایه‌گذاری در برخی کشورهای پیشرفته تعیین نرخ مالیات در میزانی پایین‌تر از کشورهای دیگر است.

۱-۲. انواع مالیات

مالیات‌ها دریافت‌هایی هستند که دولت به دلایل و روش‌های گوناگون از مردم جمع‌آوری می‌کند. مالیات‌ها دو گونه‌اند: ۱. مالیات غیرمستقیم (مالیات بر واردات و مالیات بر معاملات) ۲. مالیات مستقیم: (مالیات بر درآمد و مالیات بر دارایی و ثروت). در مقایسه این دو نوع مالیات، مالیات غیر مستقیم بیشتر به سمت مصرف‌کننده منتقل می‌شود و مالیات مستقیم مستقیماً از درآمد یا دارایی افراد توسط مأموران مالیاتی گرفته می‌شود. لذا مالیات‌های مستقیم می‌تواند اثر تورمی در جامعه به دنبال داشته باشد، ولی در مالیات‌های غیر مستقیم چنین اثری ایجاد نخواهد شد.

۲-۲. مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی (شرکت‌ها)

یکی از اقسام مالیات بر درآمد، مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی است. این مالیات برای نخستین بار در سال ۱۳۰۹ به موجب قانون مالیات بر شرکت‌ها و تجارت در ایران مرسوم گردیده و به تدریج در قوانین و مقررات مربوط با توجه به مقتضیات زمان و شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور تغییراتی داده شد. قانونی که در حال حاضر مورد عمل می باشد، قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ۱۳۴۵ و اصلاحات بعدی آن می باشد. برطبق این قانون جمع درآمد شرکت‌ها و درآمدهای انتفاعی سایر اشخاص حقوقی از منابع مختلف در ایران یا خارج تحصیل می گردد، مشمول این نوع از مالیات است. اشخاص حقوقی در ایران عبارتند از: شرکت‌های تجاری موضوع قانون تجارت، مؤسسات غیرتجاری که در اداره ثبت شرکت‌ها به ثبت می‌رسند، تشکیلات دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی، تشکل‌ها و انجمن‌های حرفه‌ای، احزاب، اتحادیه‌های صنفی، NGO ها، انجمن مهندسان، کانون وکلا، انجمن‌ها و هیئت‌های مذهبی، موقوفات عام (دفتر مطالعات برنامه و بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۳).

فلسفه تشکیل دولت در هر اجتماعی برقراری ثبات و نظم، جلوگیری از فساد و به طور کلی تأمین رفاه اشخاص حقیقی و حقوقی است. مشخص است که انجام این خدمات هزینه بر است و باید به شکلی تأمین شود. از طرفی یکی از مسایل مهم در اقتصاد هر جامعه‌ای تعیین نرخ مالیات است که اگر بیشتر یا کمتر از حد تعیین شود می‌تواند تبعات زیادی برای آن جامعه داشته باشد. زمانی که کسب مالیات موجب شود افراد رفاه را تجربه کنند، یک اتفاق نظر بین دولت و مردم برای پرداخت مالیات به وجود می‌آید و فرار مالیاتی و دیگر مشکلات احتمالی رنگ می‌بازد. مالیات ستانی باید به اندازه، عادلانه و به طور کارا انجام شود تا بهترین بازدهی در جامعه رقم بخورد.

۳. پیشینه پژوهش

۳-۱. خارجی

مانک^۱ (۱۹۷۷) در مطالعه‌اش با عنوان «اثرات رفاهی مالیات و تغییرات قیمت» یک مدل تعادلی در اقتصاد بدون مشکلات توزیع را بررسی می‌کند. مورد خاصی که تحرکات آن ناشی از مالیات‌های خاص است و با جزئیاتش مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این تحقیق یک فرمول برای مقایسه مقادیر نرمال در تعادل همسایه مطابق با سطوح مختلف اعوجاج و چند نتیجه در اقتصاد رفاهی و مالی عمومی به عنوان نتیجه گیری به دست آمده است و برنامه‌هایی کاربردی پیشنهاد شده است. تفسیر با استفاده از مازاد مصرف کنندگان و تولید کنندگان داده شده است.

مور^۲ (۲۰۰۵) در پژوهش خود «اصلاحات مالیاتی و رفاهی اسلوآکی» اصلاحات جامع اسلوآکی را در مورد سیستم‌های مالیاتی و رفاهی خود در سال ۲۰۰۴، از جمله مالیات بر درآمد ثابت و مالیات بر ارزش افزوده (مالیات بر ارزش افزوده) و پیوند مزایای اجتماعی به مشارکت در برنامه‌های بازار کار بررسی می‌کند. این مقاله استدلال می‌کند که اصلاحات باعث تقویت سرمایه گذاری و بهبود بهره وری با گسترش مبنای مالیات، کاهش بار اداری و بهبود مشوق‌های کاری شده است.

ماتایی^۳ (۲۰۱۰) در پژوهش خود «بهبود رفاه اصلاحات مالیاتی خنثی توزیعی» در یک مدل جدید با بازارهای ناقص، به بررسی اثرات اصلاحات مالیاتی می‌پردازد که نتایج آن بهبود رفاه، توزیع خنثی و تعادل بودجه در بلند مدت است. نویسنده مالیات بر درآمد سرمایه را کاهش می‌دهد و آن را با مالیات مصرفی که متشکل از نیازمندی‌های مالیاتی و لوکس‌ها با نرخ‌های متفاوت است، جایگزین می‌کند. همچنین دولت‌های پایدار را تحت رژیم‌های مالیاتی مختلف مقایسه می‌کند و بیان می‌کند که مالیات جایگزین یکپارچه در حوزه مصرفی منجر به افزایش رفاه در بلندمدت

1. Munk

2. Moore

3. Mathieu

می‌شود. پیشرفت در بخش مصرف نیز با یارانه مصرف فقرا به دست می‌آید. نویسندگان در نهایت نتیجه می‌گیرند یک اصلاح مالیاتی که شامل افزایش مالیات بر درآمد بیشتری است، اثر بازتوزیعی کمتری از هرگونه اصلاح مالیات مصرفی دارد.

اوچمن^۱ (۲۰۱۱) در مقاله خود با عنوان «اثرات توزیعی و رفاهی اصلاح مالیات سال ۲۰۰۰ آلمان» کاهش شدید تغییرات در مالیات بر درآمد سرمایه را در یک مدل ساختاری برای پس‌انداز خانوارها و تقاضای دارایی مورد سنجش قرار می‌دهد. کاهش قابل توجهی در نرخ مالیات منجر به سود بیشتر برای بسیاری از خانوارها می‌شود. سود بیشتر برای خانوارها در مقادیر مالیات بالاتر بیشتر است، به این ترتیب نابرابری درآمد افزایش می‌یابد. علاوه بر این، خانوارها باعث افزایش پس‌انداز می‌شوند و ساختار تقاضای دارایی را به دلیل تغییر در قیمت‌های نسبی دارایی تغییر می‌دهند. به عنوان یک نتیجه، از دست دادن سود، اثرات رفاهی برای تقریباً تمام خانواده‌ها را کاهش می‌دهد.

چن^۲ و همکارانش (۲۰۱۵) در مطالعه شان تأثیر مقررات مالیاتی را در حوزه زیست محیطی بر روی رفاه مورد بررسی قرار داده‌اند. این مطالعه با استفاده از یک مدل ورودی-خروجی چند منطقه‌ای در سطح استان، هزینه‌های محیط زیست سوخت زغال سنگ در چین را از لحاظ خسارات ناشی از تغییرات اقلیمی ارزیابی می‌کند. براساس نتایج این تحقیق با استفاده از مالیات پیگوین^۳ برای اصلاح محیط زیست، شاخص قیمت مصرف کننده، شاخص قیمت تولید کننده، قیمت صادرات و تعرفه تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد. برای جبران اثر تورمی، یک اقدام مکمل کاهش مالیات بر ارزش افزوده داخلی پیشنهاد و تحلیل می‌شود.

مون و یون^۴ (۲۰۱۶) در پژوهش خود «تأثیر هزینه‌های رفاهی و افزایش نرخ مالیات بر روی رابطه نرخ مالیات و درآمد مالیاتی در کشورهای عضو OECD» بیان می‌کنند که افزایش نرخ مالیات باعث افزایش درآمد مالیاتی می‌شود. این تحقیق رابطه بین نرخ مالیات و درآمد مالیاتی را با

-
1. Ochmann
 2. Chen
 3. Pigouvian
 4. Moon & Yoon

استفاده از داده‌ها برای ۳۴ کشور از پایگاه داده مالیات OECD بین سال‌های ۲۰۱۵-۱۹۸۱ بررسی می‌کند. در این تحقیق، تحلیل رگرسیون غیر خطی به منظور تحلیل رابطه انجام شده است. نتیجه این است که باز بودن تجارت خارجی رابطه مثبت بین نرخ مالیات شرکت و درآمد مالیات شرکت را تضعیف می‌کند. این مسأله ثابت می‌کند که افزایش نرخ مالیات شرکت ممکن است منجر به افزایش درآمد مالیاتی شرکت‌های بزرگ شود، چرا که میزان تجارت خارج از کشور بزرگ‌تر می‌شود. سیاست مالیاتی افزایش نرخ مالیات بر درآمد شرکت می‌تواند منجر به ناتوانی در تأمین مالی در درآمد مالیاتی شرکت شود.

۳-۲. داخلی

مجتهد و احمدیان (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «اثر درآمدهای مالیاتی دولت بر رفاه اجتماعی ایران» به دنبال انتخاب یک نظام مالیاتی مناسب برای اقتصاد ایران، با هدف ثبات نسبی رفاه و توجه به ویژگی‌های مؤثر اقتصاد ایران هستند. فرضیه مقاله این است: مالیات بر مصرف بهترین نظام مالیاتی برای ایران است. برای همین منظور از مدل ماندل-فلمنگ استفاده شده است و نتایج حاکی از این است که نظام مالیات بر مصرف ثبات بیشتری در متغیرهای هدف شاخص قیمت‌ها، شاخص دستمزدها، رفاه خانوار و واردات، ایجاد می‌نماید.

فلاحی و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه خود به بررسی تأثیر افزایش قیمت گروه‌های مختلف کالایی بر رفاه خانوارهای شهری پرداخته‌اند. در این بررسی از داده‌های هزینه‌ای ۸ گروه کالایی طرح هزینه و درآمد خانوارهای شهری طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۷۳ استفاده شده است و برای تعیین تقاضای گروه‌های کالایی از سیستم مخارج خطی (LES) بهره گرفته شده است. نتایج بررسی شاخص‌های رفاهی نشان می‌دهد بیش‌ترین کاهش رفاه ناشی از افزایش قیمت‌ها به ترتیب به گروه‌های مسکن و خوراکی‌ها، آشامیدن‌ها و دخانیات تعلق دارد.

ایزدخواستی و همکارانش (۱۳۹۴) در پژوهش خود به تحلیل تأثیر مالیات تورمی بر تخصیص منابع و رفاه در اقتصاد ایران پرداخته‌اند. در این مطالعه در یک الگوی رشد درون‌زای نئوکلاسیکی با فراغت و پول در تابع مطلوبیت و اثرات جانبی تولید چگونگی تأثیرگذاری رشد پول اسمی، به منزله

ابزار تأمین مالی، بر تخصیص منابع و رفاه آزمون می‌شود. بدون اثرات جانبی تولید نتایج حاکی از آن است که با افزایش نرخ مالیات تورمی نسبت مصرف به تولید ناخالص داخلی ثابت می‌ماند، اما نیروی کار، ذخیره سرمایه و تولید افزایش می‌یابد. با لحاظ کردن اثرات جانبی تولید، ذخیره سرمایه و تولید با شدت بیشتری افزایش می‌یابد و سطح رفاه در وضعیت یکنواخت افزایش می‌یابد.

صامتی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود اصلاح نظام مالیاتی را به عنوان هسته مرکزی سیاست‌های اقتصادی و جریان تعدیل اقتصادی در نظر می‌گیرند و محاسبه کشش‌های قیمتی خودی و متقاطع کالاها را مورد نظر و همچنین نرخ‌های بهینه مالیات بر کالاها و خدمات را لازم می‌دانند. این کشش‌ها از برآورد توابع تقاضای ۱۰ گروه کالا و خدمات مشمول مالیات با استفاده از سیستم مخارج خطی و به روش رگرسیون‌های به ظاهر نامرتب و داده‌های ده دهک هزینه‌ای خانوارهای شهری ایران در طی سال‌های ۸۹-۱۳۷۵ به دست آمده‌اند. نتایج نشان می‌دهد هر چه نرخ گریز از نابرابری اجتماعی افزایش می‌یابد، هزینه نهایی رفاه اجتماعی ناشی از تغییر نرخ‌های مالیات بر کالاها و خدمات کاهش می‌یابد و در بالاترین مقدار نرخ گریز از نابرابری اجتماعی، کاهش رفاه بسیار کم می‌شود.

مرزبان و همکارانش (۱۳۹۵) در پژوهش خود به محاسبه رفاه تحت سیاست‌های مالی متفاوت با استفاده از یک مدل تعادل عمومی تصادفی پویا در چارچوب سیاست پولی و مالی بهینه برای اقتصاد ایران می‌پردازند. برای بررسی اثرات به کارگیری ابزارهای مالیاتی سناریوهای مختلفی ارائه می‌شود و نویسندگان رفاه خانوارها را در هر کدام مورد بررسی قرار می‌دهند و بیان می‌کنند: برنامه‌ریز در یک مدل سیاست پولی و مالی بهینه، با در نظر گرفتن ابزارهای سیاست مالی در دسترس و اثرات ناشی از شوک‌های اقتصادی بر میزان تغییرات رفاه، به تعیین سیاست‌ها اقدام نماید. به عبارت دیگر، برنامه‌ریز می‌تواند با حداقل کردن میزان زیان در رفاه مردم، به انتخاب ابزارهای سیاست مالی از مجموعه در دسترس خود جهت تأمین مالی مخارج اقدام کند.

آرمان مهر و قذهمندمنش (۱۳۹۶) به ارزیابی اثرات رفاهی ناشی از افزایش قیمت هشت گروه کالایی می‌پردازند. این تحقیق در میان دهک‌های مختلف درآمدی خانوارهای شهری ایران با روش

سیستم مخارج خطی و با استفاده از تغییرات جبرانی در دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۷۲ با بهره‌گیری از داده‌های سری زمانی صورت گرفته است. نتایج نشان می‌دهد، به طور کلی، افزایش قیمت باعث کاهش رفاه بیشتری در دهک‌های درآمدی پایین نسبت به دهک‌های ثروتمند می‌شود.

تاکنون مطالعات خوبی بر روی نظام مالیاتی و بحث رفاه صورت گرفته است. در بین این مطالعات، پژوهش بر روی مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی (شرکت‌ها) که بخش زیادی از درآمد مالیاتی کشور را در بر می‌گیرد و تأثیر زیادی بر زندگی مردم در سطوح مختلف درآمدی می‌گذارد، مغفول مانده است و به خوبی بدان پرداخته نشده است. لذا، مطالعه حاضر با بهره‌گیری از تحلیل داده ستانده و با استفاده از تطبیق استانداردهای COICOP^۱ و ISIC^۲ تأثیرات مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی (شرکت‌ها) بر هزینه دهک‌های مختلف در خانوارهای شهری و روستایی را مورد بررسی قرار داده است و با پیشنهاد طرح‌ها و اقداماتی در جهت رفع نابرابری، قدمی در جهت اهداف عالیه کشور بر می‌دارد.

۴. روش شناسی تحقیق

با استفاده از روش داده ستانده که یکی از روش‌های معتبر تحلیل اقتصادی می‌باشد و هم چنین با بهره‌گیری از تعاریف و تقسیم‌بندی‌های موجود از بخش‌های مختلف اقتصادی و کالاهای مورد مصرف خانوار و منطق حاکم بر آنها، آثار تغییر میزان مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی بر هزینه دهک‌های مختلف خانوارهای شهری و روستایی ارزیابی خواهد شد.

در این تحقیق جامعه و نمونه آماری کلیه خانوارهای شهری و روستایی ایران در گروه‌های مختلف هزینه‌ای می‌باشد. داده‌های این پژوهش با استفاده از جدول داده ستانده سال ۱۳۸۹ و آمار هزینه درآمد خانوارهای شهری و روستایی در سال ۹۵ تأمین می‌شود. اطلاعات مورد نیاز این تحقیق از طریق مراجعه به نشریات مرکز آمار ایران، نشریات آماری بانک مرکزی و استفاده از سایت‌های اینترنتی مربوطه انتخاب و گردآوری شده است.

1. Classification of individual consumption by purpose
2. International Standard Industrial Classification

نمونه یک جدول داده-ستانده

بخش‌ها	بخش‌های مصرف کننده						کل عرضه = کل تقاضا	تولید (ستانده)	واردات
	تقاضای (مصرف)		تقاضای (مصرف)						
	واسطه	نهایی							
	۱...j...n	۱	۲	۳	سرمایه‌گذاری	صادرات	جمع		
بخش‌های تولیدکننده	ناحیه ۱	X _{ij}	ناحیه ۲				Z	X	M
			W _i	C _i	G _i	I _i			
جمع نهادهای واسطه	U _j								
اجزاء ارزش افزوده	ناحیه ۳	V _{ij}	ناحیه ۴						
جمع ارزش افزوده	V _j								
تولید (ستانده)	X _j								

مأخذ: نتایج تحقیق

میزان مصرف هر دهک هزینه‌ای نیز از آمار منتشر شده مرکز آمار ایران با عنوان «متوسط انواع هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی سالانه یک خانوار در هر یک از دهک‌های هزینه‌ای، ۱۳۹۵ به تفکیک شهری و روستایی» اخذ شده است. در این قسمت کوشیده‌ایم به‌صورتی ساده و گذرا به بیان ادبیات نظری تحلیل داده ستانده، تکنیک‌ها و ابزارهای موجود در آن پردازیم، ضمن آنکه با معرفی مدل‌های قیمت در این نوع از تحلیل‌ها فضای مناسب جهت بررسی آثار مالیات بر بخشی از درآمدها بر سطح رفاه خانوارها آماده شده است.

۴-۱. شاخص پژوهش

شاخصی که در این پژوهش مدنظر قرار می‌گیرد، شاخص هزینه و درآمد خانوارها است. در این شاخص آمار و اطلاعات درآمد و هزینه خانوارهای شهری شامل: مقدار هزینه خانوارها برای اقلام خوراکی و غیرخوراکی برحسب دهک‌های مختلف ارائه می‌شود. بررسی هزینه و درآمد خانوار (بودجه خانوار)، برای اولین بار در سال ۱۳۱۴ توسط بانک ملی ایران انجام شده و هدف اصلی این بررسی، به دست آوردن ضرایب مصرف برای محاسبه شاخص هزینه زندگی بوده است. هدف کلی از استخراج این شاخص برآورد سالانه میانگین هزینه‌های کل، خوراکی (در ۱۰ صفت اصلی)، غیرخوراکی (در ۱۰ صفت اصلی)، درآمد و برآورد تغییرات سالانه این میانگین‌ها در سطح مناطق شهری و روستایی کل کشور و نیز برآورد سالانه میانگین هزینه‌های کل، خوراکی، غیرخوراکی و درآمد برای یک خانوار در سطح نقاط شهری و روستایی هریک از استان‌هاست.

۴-۲. مدل قیمتی

هدف از انجام این پژوهش، اول محاسبه آثار قیمتی مالیات و دوم برآورد آثار توزیعی آن می‌باشد. حال برای آن که بتوانیم به محاسبه دقیق این آثار پردازیم نیازمند مدلی جامع هستیم که عموماً مدل‌های داده‌ستنده قابلیت‌های مناسبی برای این هدف دارند. در این تحقیق تأثیرات مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی در دو سناریوی افزایشی و کاهشی مورد بررسی قرار می‌گیرد و مراحل کار بشرح زیر خواهد بود:

گام اول: محاسبه بردار میزان افزایش یا کاهش قیمت بخش‌های مختلف اقتصادی بر مبنای بخش‌های موجود در جدول داده‌ستنده بر اثر تغییر مالیات.

گام دوم: تطبیق بخش‌های موجود در جدول داده‌ستنده (براساس استاندارد ISIC) با گروه‌های مختلف کالا و خدمات مورد مصرف خانوار (طبق استاندارد COICOP)

گام سوم: استخراج بردار میزان افزایش قیمت بخش‌هایی از جدول داده‌ستنده که جزء کالاهای مورد مصرف خانوار بحساب می‌آیند.

گام پنجم: محاسبه میزان افزایش مخارج دهک‌های مختلف هزینه‌ای در مناطق شهری و روستایی و نسبت افزایش آن در مقایسه با دوره‌های قبل.

هر ستون از ماتریس داده-ستانده همراه با ارزش افزوده آن، هزینه‌های یک تولید کننده را نشان می‌دهد. این اصل از آن جا ناشی می‌شود که قیمت هر محصول را می‌توان از طریق قیمت داده‌های به کار رفته در تولید آن محصول به دست آورد.

اگر P قیمت یک واحد محصول i باشد، هزینه داده‌های واسطه برای تولید یک واحد محصول شماره ۱ را می‌توان به صورت زیر نوشت:

(1)

اختلاف بین واحد محصول شماره ۱ و هزینه داده‌های واسطه به کار رفته برای تولید یک
واحد محصول شماره ۱ برابر است با ارزش افزوده یک واحد محصول شماره ۱، که مجموع هزینه
سرمایه و هزینه نیروی کار و مالیات آن را تشکیل می‌دهد:

(۶)

اگر معادله قیمت را برای کل محصولات بنویسیم، سیستم رابطه‌های قیمت به صورت زیر به دست می‌آید:

(۶)

$$\begin{matrix} \dots & \dots & \dots & \dots \\ P_n = & P_1 a_{1n} + & P_2 a_{2n} + \dots + & P_n a_{nn} + & v_n \end{matrix}$$

حل روابط فوق با استفاده از روابط ماتریسی راحت تر انجام می‌شود. روابط فوق را در شکل ماتریسی آن‌ها می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$\begin{bmatrix} p_1 \\ p_2 \\ \dots \\ p_n \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} a_{11} & a_{12} & \dots & a_{n1} \\ a_{12} & a_{22} & \dots & \cdot \\ \cdot & \cdot & \cdot & \cdot \\ a_{1n} & a_{2n} & \cdot & a_{nn} \end{bmatrix} \begin{bmatrix} p_1 \\ p_2 \\ \dots \\ p_n \end{bmatrix} + \begin{bmatrix} v_1 \\ v_2 \\ \dots \\ v_n \end{bmatrix} \quad (۴)$$

در رابطه فوق، ماتریسی که عناصر آن از ضرائب "a" تشکیل شده است، ماتریس ضرائب فنی یا "A" است که از تقسیم ارقام ستون مورد نظر بر کل داده‌ها به دست می‌آید. اگر ردیف‌ها و ستون‌های ماتریس ضرائب فنی را جابجا کنیم، ترانسپوز ماتریس A به دست می‌آید که آن را به صورت A' می‌نویسیم. اگر P بردار قیمت و V بردار ارزش افزوده باشد، رابطه فوق را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$P = A'P + v \quad (۵)$$

که اگر بر حسب P حل شود رابطه زیر به دست می‌آید :

$$P = (I - A')^{-1} v \quad (۶)$$

اگر بخواهیم تأثیرات تغییرات مالیات بر درآمد شرکت‌ها را بر قیمت تمام شده ۵۲ گروه کالایی موجود در جدول داده ستانده سال ۱۳۸۹ اندازه‌گیری می‌کنیم، داریم:

$$\begin{aligned} P_1 &= (I - A')^{-1} v \\ P_2 &= (I - A')^{-1} v \\ &\cdot \\ P_{52} &= (I - A')^{-1} v \end{aligned} \quad (۷)$$

اگر بخواهیم تغییرات P را به دست آوریم لاجرم باید رابطه زیر را بنویسیم:

$$\Delta P = [I - A']^{-1} \Delta v \quad (۸)$$

در این معادله Δp نمایش گر تغییرات قیمت و Δv نمایش گر تغییرات عوامل تشکیل دهنده ارزش افزوده است. در معادله بالا فرض بر این است که تمام قیمت محصولات برون‌زا، و بردار

ارزش افزوده (v) درون‌زا می‌باشد و شوک ناشی از تغییر قیمت‌ها تنها از طریق تغییر در بردار ارزش افزوده منتقل می‌شود.

همان‌طور که در معادلات بالا مشخص است، تغییر در مالیات سبب تغییر ارزش افزوده و به تبع آن قیمت می‌شود. پس از آن، تغییرات به‌وجود آمده در هزینه خانوارهای شهری و روستایی در گروه‌های مختلف هزینه‌ای (دهک یکم تا دهم) را بر اثر تغییر در قیمت‌ها را به‌دست می‌آوریم.

$$\Delta \begin{bmatrix} c_1 \\ c_2 \\ \dots \\ c_{52} \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} 1-A_1' & 0 & 0 & 0 \\ 0 & 1-A_2' & 0 & 0 \\ 0 & 0 & \dots & 0 \\ 0 & 0 & 0 & 1-A_{52}' \end{bmatrix} \cdot \Delta \begin{bmatrix} T_1 \\ T_2 \\ \dots \\ T_{52} \end{bmatrix} \quad (9)$$

حال تغییر در مجموع هزینه‌های مصرفی خانوارهای شهری و روستایی به تفکیک گروه‌های مختلف کالایی را به دست می‌آوریم. نکته‌ای که وجود دارد این است که قیمت کالاها به‌صورت COICOP و به‌صورت پراکنده در آمارها وجود دارد و باید به حالت ISIC و در قالب ۵۲ گروه کالایی جای بگیرد.

$$\begin{bmatrix} \Delta p_1 & 0 & 0 & 0 \\ 0 & \Delta p_2 & 0 & 0 \\ 0 & 0 & \dots & 0 \\ 0 & 0 & 0 & \Delta p_{52} \end{bmatrix} \cdot \begin{bmatrix} c_1 \\ c_2 \\ \dots \\ c_{52} \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} \Delta c_1 \\ \Delta c_2 \\ \dots \\ \Delta c_{52} \end{bmatrix} \quad (10)$$

در آخرین مرحله نیز تغییر در هزینه دهک‌های مختلف شهری و روستایی را به تفکیک محاسبه می‌کنیم. برای مثال تغییر در هزینه دهک اول در خانوارهای شهری عبارتست از:

$$\begin{bmatrix} \Delta p_1 & 0 & 0 & 0 \\ 0 & \Delta p_2 & 0 & 0 \\ 0 & 0 & \dots & 0 \\ 0 & 0 & 0 & \Delta p_{52} \end{bmatrix} \cdot \begin{bmatrix} c_1^1 \\ c_2^1 \\ \dots \\ c_{52}^1 \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} \Delta c_1^1 \\ \Delta c_2^1 \\ \dots \\ \Delta c_{52}^1 \end{bmatrix} \quad (11)$$

به همین ترتیب ۱۰ معادله برای شهر و ۱۰ معادله برای روستا خواهیم داشت که تغییرات در هزینه آن را نشان می‌دهد. بنابراین به طور کلی محاسبه می‌کنیم که بر اثر افزایش یا کاهش مالیات بر درآمد شرکت‌ها، چه تغییری در هزینه‌های خانوارهای شهری و روستایی ایجاد می‌شود. مقدار مصرف ۵۲ گروه کالا برای دهک یکم تا دهم در خانوارهای شهری و روستایی به تفکیک مواد خوراکی و غیر خوراکی از آمار هزینه درآمد خانوارهای شهری و روستایی مرکز آمار ایران در سال ۹۵ استخراج شده است.

۴-۳. طراحی مدل ارزیابی آثار توزیعی تغییر در مالیات

پس از آن که مدل برآورد قیمت در بخش‌های قبلی تبیین شد در این قسمت به تدوین مدل ارزیابی آثار توزیعی افزایش قیمت‌ها می‌پردازیم. ضروری است در ابتدا گروه‌های کالایی مورد مصرف خانوار در دو بخش «دخانی و خوراکی» و «غیر خوراکی» شناسایی شده و مقادیر هر یک در دو بخش شهری و روستایی در نظر گرفته شوند که این بخش از کار با استفاده از تقسیم‌بندی انجام شده توسط بخش آمار سازمان ملل متحد تحت عنوان «طبقه بندی مصرف افراد براساس هدف مصرف»^۱ و آمار استخراج شده توسط مرکز آمار ایران انجام شده است.

۴-۴. معرفی استاندارد «طبقه بندی مصرف افراد براساس هدف مصرف»

بخش آمار سازمان ملل متحد جهت ایجاد وحدت رویه در جمع آوری و عرضه آمار و اطلاعات اقتصادی تقسیم‌بندی‌های استاندارد را در زمینه‌های مختلف ارائه کرده است. این تقسیم‌بندی‌ها بسیار کامل و دقیق بوده و بر مبنای معیارهای مختلف انجام شده که یکی از آنها تقسیم‌بندی

1. Classification Of Individual Consumption According To Purpose (COICOP)

مصرف افراد براساس هدف مصرف (COICOP) می باشد و براساس آخرین نسخه این استاندارد، کلیه هزینه‌های خانوار در ۱۴ بخش اصلی و ۵۸ زیر بخش قرار می گیرد. ۱۴ بخش اصلی عبارتند از: ۱- خوراک و آشامیدنی‌های غیرالکلی، ۲- آشامیدنی‌های الکلی و دخانیات، ۳- پوشاک و کفش، ۴- مسکن و تأمین آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها، ۵- تجهیز (مبله کردن) منزل، تجهیزات و نگهداری‌های مورد نیاز خانه، ۶- بهداشت، ۷- حمل نقل، ۸- ارتباطات، ۹- تفریحات و فرهنگ، ۱۰- آموزش، ۱۱- رستوران و هتل، ۱۲- سایر خدمات و کالاها، ۱۳- مخارج مصرفی فردی موسسات غیرانتفاعی خدمات دهنده به خانوار، ۱۴- مخارج مصرفی فردی دولت.

آمار مربوط به این استاندارد در ایران، توسط مرکز آمار ایران و حداقل به صورت سالیانه و به تفکیک شهری و روستایی و براساس گروه‌های درآمدی و هزینه‌ای و دهک‌های درآمدی و هزینه‌ای تولید می شود. آماری که در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفته است آمار مربوط به «متوسط انواع هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی سالانه یک خانوار روستایی و شهری در هر یک از دهک‌های هزینه سالانه در سال ۱۳۹۵» می باشد. در ادامه توضیحات بیشتری درباره اجزای مدل داده می شود:

۱- روستایی و شهری: از آنجایی که احتمالاً ترکیب مصرف در شهرها و روستاها متفاوت از یکدیگر می باشد و به همین نسبت میزان تأثیرپذیری آنها از افزایش قیمت‌ها نیز دارای تفاوت خواهد بود و با در نظر گرفتن فرضیات پژوهش منطقی است که تحلیل با تفکیک بین شهری و روستایی صورت پذیرد.

۲- دهک‌های هزینه: با توجه به آن که آمار مربوط به درآمد و هزینه خانوار به صورت میدانی و پرسش از افراد نمونه انجام می شود، از این رو عموماً افراد درآمدهای واقعی خود را اعلام نمی کنند در حالی که بیان کردن هزینه‌ها می تواند به واقعیت نزدیک تر باشد، از این رو آمار مربوط به دهک‌های هزینه مورد استناد قرار گرفته است.

تقسیم‌بندی دهک از آنجا که کل جمعیت کشور را به ۱۰ بخش مساوی تقسیم می‌کند، انجام مقایسه در میان جمعیت کشور و تصمیم‌سازی‌های مبتنی بر تعداد افراد را ممکن‌تر می‌سازد و از این نظر، نسبت به تقسیم‌بندی گروه برتری دارد (طاهری فرد و همکاران، ۱۳۹۴).

جدول ۱. دهک‌های هزینه (سالانه)

عدد دهک	هزینه هر دهک
۱	۴۵۰۰۰ هزار ریال و کمتر
۲	۴۵۰۰۰ تا ۷۵۰۰۰ هزار ریال
۳	۷۵۰۰۰ تا ۹۰۰۰۰ هزار ریال
۴	۹۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰ هزار ریال
۵	۱۲۰۰۰۰ تا ۱۶۵۰۰۰ هزار ریال
۶	۱۶۵۰۰۰ تا ۱۹۵۰۰۰ هزار ریال
۷	۱۹۵۰۰۰ تا ۲۷۰۰۰۰ هزار ریال
۸	۲۷۰۰۰۰ تا ۳۶۰۰۰۰ هزار ریال
۹	۳۶۰۰۰۰ تا ۴۸۰۰۰۰ هزار ریال
۱۰	۴۸۰۰۰۰ هزار ریال و بیشتر

مأخذ: نتایج تحقیق

۴-۵. روش تطبیق اجزاء استاندارد ISIC با استاندارد COICOP

در تقسیم‌بندی COICOP منظور از بخش اصلی در غیر خوراکی‌ها، مثلاً مسکن و بخش فرعی آن اجاره بها و سایر هزینه‌های منزل مسکونی می‌باشد. خوراکی‌ها خود به عنوان بخش اصلی بوده و به طور مثال، گوشت، بخش فرعی آن محسوب می‌شود، ضمن آنکه گوشت دام یا گوشت پرندگان زیر بخش به حساب می‌آیند.

در تقسیم‌بندی ISIC نیز بخش اصلی به طور مثال تولید بوده و زیر بخش آن تولید مواد غذایی آشامیدنی قرار می‌گیرد. بخش‌های اصلی، فرعی و زیر بخش جدول هزینه خانوار مبنا قرار گرفت و براساس تعاریف COICOP، برای هر یک، بخش یا زیر بخش‌هایی از جدول داده ستانده (با توجه به تعاریف ISIC) نظیر شد.

۴-۶. شبیه سازی مدل براساس سناریوهای مختلف

با توجه به آنچه در بالا ذکر شد، برای محاسبه تغییرات هزینه‌ای خانوارها باید تغییرات قیمت را به دست آوریم و برای محاسبه تغییرات قیمت نیز به معادله ۸ یعنی $\Delta v^1 = [I-A'] \Delta P$ رسیدیم. ارزش افزوده نیز همان‌طور که در معادله ۲ آمد از سه بخش سرمایه، نیروی کار و مالیات تشکیل می‌شود. ($v_1 = P_K + P_L + Tax$) از همین رو برای سنجش اثر افزایشی و کاهش مالیات بر روی هزینه خانوارها باید سناریوهای مختلفی در نظر بگیریم و این تغییرات را به نمایش بکشیم. از آنجایی که در جدول داده ستانده، اجزای ارزش افزوده ذکر شده برای هر گروه از ۵۲ گروه کالایی به طور سالیانه محاسبه شده است، اقل تغییراتی که می‌تواند این اثر را به طور محسوس نشان دهد، ۱۰۰۰۰۰ میلیون ریال در نظر گرفته شده است. یعنی:

در سناریوی اول فرض شده است که افزایش ارزش افزوده به اندازه ۱۰۰۰۰۰ میلیون ریال صورت گرفته است.

در سناریوی دوم فرض شده است که کاهش ارزش افزوده به اندازه ۱۰۰۰۰۰ میلیون ریال صورت گرفته است.

۴-۷. ارزیابی تأثیر مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی (تولید) بر سطح هزینه خانوارها

در جداول زیر تغییرات مخارج خانوارهای روستایی به تفکیک هزینه‌های خوراکی و غیر خوراکی محاسبه شده است. بر اثر افزایش و کاهش ارزش افزوده (ناشی از تغییر در مالیات) قیمت کالاها و خدمات و در نتیجه هزینه خانوارها در بخش‌های مختلف تغییر کرده است که در دهک‌های مختلف این تغییر هزینه نشان داده شده است. تفاضل مخارج ثانویه و اولیه نیز محاسبه شده تا تغییرات ملموس تر بیان گردد:

جدول ۲. هزینه‌های خوراکی (داخل منزل) سالانه یک خانوار روستایی در دهک‌های مختلف (هزار ریال)

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱۷۸۰۵۴	۱۱۹۵۵۴	۹۷۸۷۴	۸۱۱۱۲	۶۹۱۱۵	۵۷۵۰۴	۴۶۱۶۴	۳۷۰۰۵	۲۸۷۷۳	۱۵۴۱۸	حالت اولیه
۱۷۸۵۴۴	۱۱۹۹۰۱	۹۸۱۶۱	۸۱۳۴۹	۶۹۳۱۷	۵۷۶۷۲	۴۶۲۹۷	۳۷۱۱۱	۲۸۸۵۵	۱۵۴۶۲	+۱۰۰۰۰۰
۱۷۷۵۸۹	۱۱۹۲۳۳	۹۷۶۱۲	۸۰۸۹۹	۶۸۹۳۰	۵۷۳۵۳	۴۶۰۴۴	۳۶۹۰۷	۲۸۶۹۷	۱۵۳۷۶	-۱۰۰۰۰۰
۴۹۰	۳۴۷	۲۸۷	۲۳۷	۲۰۲	۱۶۸	۱۳۳	۱۰۶	۸۲	۴۴	تفاضل
-۴۹۰	-۳۴۷	-۲۸۷	-۲۳۷	-۲۰۲	-۱۶۸	-۱۳۳	-۱۰۶	-۸۲	-۴۴	

مأخذ: نتایج تحقیق

جدول ۳. هزینه‌های غیرخوراکی و خوراکی (خارج منزل)
سالانه یک خانوار روستایی در دهک‌های مختلف (هزار ریال)

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۴۵۷۲۱۱	۲۹۰۷۶۴	۲۱۰۷۰۴	۱۴۶۰۳۳	۱۱۰۳۱۶	۸۳۸۹۲	۵۸۸۴۰	۴۵۵۴۹	۳۱۹۳۰	۱۴۳۰۲	حالت اولیه
۴۶۱۹۴۸	۲۹۳۴۵۵	۲۱۲۶۴۹	۱۴۷۲۷۴	۱۱۱۲۳۳	۸۴۶۰۹	۵۹۳۳۷	۴۵۹۲۸	۳۲۱۹۷	۱۴۴۳۲	+۱۰۰۰۰۰
۴۵۲۴۷۴	۲۸۸۰۷۳	۲۰۸۷۵۹	۱۴۴۷۹۲	۱۰۹۳۹۹	۸۳۱۷۵	۵۸۳۴۳	۴۵۱۷۰	۳۱۶۶۳	۱۴۱۷۲	-۱۰۰۰۰۰
۴۷۳۷	۲۶۹۱	۱۹۴۵	۱۲۴۱	۹۱۷	۷۱۷	۴۹۷	۳۷۹	۲۶۷	۱۳۰	تفاضل
-۴۷۳۷	-۲۶۹۱	-۱۹۴۵	-۱۲۴۱	-۹۱۷	-۷۱۷	-۴۹۷	-۳۷۹	-۲۶۷	-۱۳۰	

مأخذ: نتایج تحقیق

در ادامه همان تغییر و تحولات در مالیات و ارزش افزوده را در خانوارهای شهری در نظر می‌گیریم و تغییر هزینه ایجاد شده را محاسبه می‌کنیم:

جدول ۴. هزینه‌های خوراکی (داخل منزل) سالانه یک خانوار شهری در دهک‌های مختلف (هزار ریال)

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱۲۳۸۶۸	۱۰۰۱۵۱	۸۵۷۵۴	۷۲۶۵۸	۶۰۴۴۵	۵۱۴۷۱	۴۵۰۵۸	۳۶۹۰۹	۲۹۸۲۱	۲۰۸۹۹	حالت اولیه
۱۲۴۲۴۲	۱۰۰۴۵۰	۸۶۰۰۹	۷۲۸۷۳	۶۰۶۲۳	۵۱۶۲۲	۴۵۱۹۰	۳۷۰۱۶	۲۹۹۰۸	۲۰۹۵۹	+۱۰۰۰۰۰
۱۲۳۴۹۴	۹۹۸۵۲	۸۵۴۹۹	۷۲۴۴۳	۶۰۲۶۷	۵۱۳۲۰	۴۴۹۲۶	۳۶۸۰۲	۲۹۷۳۴	۲۰۸۳۹	-۱۰۰۰۰۰
۳۷۴	۲۹۹	۲۵۵	۲۱۵	۱۷۸	۱۵۱	۱۳۲	۱۰۷	۸۷	۶۰	تفاضل
-۳۷۴	-۲۹۹	-۲۵۵	-۲۱۵	-۱۷۸	-۱۵۱	-۱۳۲	-۱۰۷	-۸۷	-۶۰	

مأخذ: نتایج تحقیق

جدول ۵. هزینه‌های غیرخوراکی و خوراکی (خارج منزل) سالانه یک خانوار شهری در دهک‌های مختلف (هزار ریال)

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۷۶۳۳۹۸	۴۳۶۹۱۲	۳۳۰۳۹۷	۲۳۷۰۶۸	۱۶۹۳۳۸	۱۲۷۸۶۶	۹۸۶۳۹	۷۳۵۲۴	۵۸۳۳۸	۳۱۰۰۵
۷۷۰۱۶۶	۴۴۰۷۶۸	۳۳۳۲۶۵	۲۳۹۰۲۳	۱۷۰۶۷۹	۱۲۸۸۶۴	۹۹۴۱۴	۷۴۰۴۹	۵۸۸۰۰	۳۱۲۷۸ +۱۰۰۰۰۰
۷۵۶۶۳۰	۴۳۳۰۵۶	۳۲۷۵۲۹	۲۳۵۱۱۳	۱۶۷۹۹۷	۱۲۶۸۶۸	۹۷۸۶۴	۷۲۹۰۱	۵۷۸۷۶	۳۰۷۳۲ -۱۰۰۰۰۰
۶۷۶۸	۳۸۵۶	۲۸۶۸	۱۹۵۵	۱۳۴۱	۹۹۸	۷۷۵	۵۲۵	۴۶۲	۲۷۳
-۶۷۶۸	-۳۸۵۶	-۲۸۶۸	-۱۹۵۵	-۱۳۴۱	-۹۹۸	-۷۷۵	-۶۲۳	-۴۶۲	-۲۷۳

تفاضل

مأخذ: نتایج تحقیق

در این قسمت مجموع هزینه‌های خانوارهای شهری و روستایی (خوراکی و غیر خوراکی) در طول یک سال براساس مالیات‌های مختلف محاسبه گردیده است:

جدول ۶. کل هزینه سالانه یک خانوار روستایی در دهک‌های مختلف (هزار ریال)

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۶۳۵۲۶۵	۴۱۰۳۱۸	۳۰۸۵۷۸	۲۲۷۱۴۵	۱۷۹۴۳۱	۱۴۱۳۹۶	۱۰۵۰۰۴	۸۲۵۵۴	۶۰۷۰۳	۲۹۷۲۰
۶۴۰۴۹۲	۴۱۳۳۵۵	۳۱۰۸۱۰	۲۲۸۶۲۴	۱۸۰۵۵۰	۱۴۲۲۸۱	۱۰۵۶۳۴	۸۳۰۳۹	۶۱۰۵۲	۲۹۸۹۵ +۱۰۰۰۰۰
۶۳۰۰۶۳	۴۰۷۳۰۶	۳۰۶۳۷۱	۲۲۵۶۹۱	۱۷۸۳۳۰	۱۴۰۵۲۸	۱۰۴۳۸۷	۸۲۰۷۷	۶۰۳۶۰	۲۹۵۴۷ -۱۰۰۰۰۰
۵۲۲۷	۳۰۳۷	۲۲۳۲	۱۴۷۹	۱۱۱۹	۸۸۵	۶۳۰	۴۸۵	۳۴۹	۱۷۵
-۵۲۰۲	-۳۰۱۲	-۲۲۰۷	-۱۴۵۴	-۱۱۰۱	-۸۶۸	-۶۱۷	-۴۷۷	-۳۴۳	-۱۷۳

تفاضل

مأخذ: نتایج تحقیق

جدول ۷. کل هزینه سالانه یک خانوار شهری در دهک‌های مختلف (هزار ریال)

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۸۸۷۲۶۶	۵۳۷۰۶۳	۴۱۶۱۵۱	۳۰۹۷۲۶	۲۲۹۷۸۳	۱۷۹۳۳۷	۱۴۳۶۹۷	۱۱۰۴۳۳	۸۸۱۵۹	۵۱۹۰۴
۸۹۴۴۰۸	۵۴۱۲۱۸	۴۱۹۲۷۴	۳۱۱۸۹۶	۲۳۱۳۰۲	۱۸۰۴۸۶	۱۴۴۶۰۴	۱۱۱۰۶۶	۸۸۷۰۷	۵۲۲۳۷ +۱۰۰۰۰۰
۸۸۰۱۲۴	۵۳۲۹۰۸	۴۱۳۰۲۸	۳۰۷۵۵۶	۲۲۸۲۶۴	۱۷۸۱۸۸	۱۴۲۷۹۰	۱۰۹۷۰۲	۸۷۶۱۱	۵۱۵۷۱ -۱۰۰۰۰۰
۷۱۴۲	۴۱۵۵	۳۱۲۳	۲۱۷۰	۱۵۱۹	۱۱۴۹	۹۰۷	۶۳۳	۵۴۸	۳۳۳
-۷۱۴۲	-۴۱۵۵	-۳۱۲۳	-۲۱۷۰	-۱۵۱۹	-۱۱۴۹	-۹۰۷	-۷۳۱	-۵۴۸	-۳۳۳

تفاضل

جدول شماره ۶ کل هزینه سالانه یک خانوار روستایی در دهک‌های مختلف براساس مالیات‌های مختلف نشان می‌دهد. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود هزینه خانوارهای روستایی از ۲۹۷۲۰ هزار ریال در دهک اول شروع می‌شود و به ۶۳۵۲۶۵ هزار ریال در دهک آخر می‌رسد. با افزایش مالیات، هزینه خانوارها به ۲۹۸۹۵ هزار ریال در دهک اول تغییر پیدا می‌کند و در دهک آخر این رقم به ۶۴۰۴۹۲ هزار ریال می‌رسد. با کاهش مالیات نیز هزینه خانوارها به ۲۹۵۴۷ هزار ریال در دهک اول کاهش می‌یابد که این رقم در دهک آخر به ۶۳۰۰۶۳ هزار ریال می‌رسد. تفاضل مقادیر اولیه و ثانویه هر دهک نیز نشان داده شده است.

در جدول شماره ۷ کل هزینه سالانه یک خانوار شهری در دهک‌های مختلف براساس مالیات‌های مختلف نشان می‌دهد. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود، هزینه خانوارهای شهری که بیش از خانوارهای روستایی است از ۵۱۹۰۴ هزار ریال در دهک اول شروع می‌شود و به ۸۸۷۲۶۶ هزار ریال در دهک آخر می‌رسد. با افزایش مالیات، هزینه خانوارها به ۵۲۲۳۷ هزار ریال در دهک اول تغییر پیدا می‌کند و در دهک آخر این رقم به ۸۹۴۴۰۸ هزار ریال می‌رسد. با کاهش مالیات نیز هزینه خانوارها به ۵۱۵۷۱ هزار ریال در دهک اول کاهش می‌یابد که این رقم در دهک آخر به ۵۱۵۷۱ هزار ریال می‌رسد. تفاضل مقادیر اولیه و ثانویه هر دهک نیز نشان داده شده است.

جدول ۸. مجموع هزینه کل خانوارهای شهری و روستایی (به طور مجزا و مجموع) (هزار ریال)

مجموع هزینه کل خانوارها	خوراکی (روستایی)	غیر خوراکی (روستایی)	خوراکی (شهری)	غیر خوراکی (شهری)
حالت اولیه	۷۳۰۵۷۳	۱۴۴۹۵۴۱	۶۲۷۰۳۴	۲۳۲۶۴۸۵
مجموع خوراکی و غیر خوراکی	۲۱۸۰۱۱۴		۲۹۵۳۵۱۹	
+۱۰۰۰۰۰	۷۳۲۶۷۰	۱۴۶۳۰۶۲	۶۲۸۸۹۲	۲۳۴۶۳۰۷
مجموع خوراکی و غیر خوراکی	۲۱۹۵۷۳۲		۲۹۷۵۱۹۹	
-۱۰۰۰۰۰	۷۲۸۶۴۰	۱۴۳۶۰۲۰	۶۲۵۱۷۷	۲۳۰۶۵۶۵
مجموع خوراکی و غیر خوراکی	۲۱۶۴۶۶۰		۲۹۳۱۷۴۲	

مأخذ: نتایج تحقیق

در جدول شماره ۸ نیز مقادیر مربوط به هزینه‌های خانوارهای شهری و روستایی به صورت تفکیک شده در بخش‌های خوراکی و غیرخوراکی و همچنین مجموع هزینه‌ها در حالت اولیه و هنگام تغییر در مالیات به طور سالانه نمایش داده شده است که می‌تواند امکان خوبی برای مقایسه بخش‌های مختلف در هنگام اعمال سیاست‌های مالیاتی در اختیار بگذارد.

در سیاست‌گذاری‌های دولت باید تمام جوانب را در نظر گرفت و اثرات ایجاد شده در سطوح مختلف را اندازه گرفت تا اهداف اصلی آن سیاست محقق شود و خللی در حفظ پارامترهای مهم اقتصادی و اجتماعی به وجود نیاید. از شاخصه‌های بسیار مهم و شاید بتوان گفت مهمترین شاخصه در جامعه اسلامی عدالت و برابری است که در سیاست‌گذاری‌ها باید به شدت مراقبت شود و در اولویت قرار گیرد. تعیین نحوه اخذ و همچنین تعیین نرخ مناسب مالیات از مواردی است که دولت باید متخصصانه و براساس تحقیق و تجربه با آن برخورد کند؛ چرا که خطا در موارد ذکر شده می‌تواند سبب افزایش نابرابری و تحمیل فشار به قشر ضعیف جامعه گردد و یا منجر به کاهش تولید و بی انگیزگی تولیدکنندگان شود آن هم در شرایطی که هر روز باید شاهد خودکفایی و رشد تولید داخلی باشیم.

بر طبق جداول بالا هزینه مربوط به دهک اول در خانوارهای روستایی بر اثر افزایش یا کاهش مالیات حدود ۱۷۰ هزار ریال یا ۱۷ هزار تومان و در خانوارهای شهری ۳۳۰ هزار ریال یا ۳۳ هزار تومان تغییر کرده است. این تفاضل در دهک‌های بعدی همین طور افزایش می‌یابد تا در دهک آخر به نزدیک ۵۲۱۰ هزار ریال یا ۵۲۱ هزار تومان در خانوارهای روستایی و ۷۱۴۰ هزار ریال یا ۷۱۴ هزار تومان در خانوارهای شهری می‌رسد. در صورتی که تفاوت درآمد دهک‌های اول و دهم به بیش از ۵۴۰ میلیون ریال یا ۵۴ میلیون تومان می‌رسد! یعنی می‌توان گفت که هرگونه کاهش یا افزایش در مالیات بر اشخاص حقوقی (شرکت‌ها) مستقیماً به مصرف‌کننده انتقال می‌یابد؛ زیرا شرکت‌ها برای پوشش دادن هزینه‌های مالیاتی، قیمت محصولات را تغییر می‌دهند و اصابت مالیاتی به شکلی دیگر رقم می‌خورد. این عمل سبب افزایش نابرابری در بین دهک‌های مختلف می‌شود که نتیجه‌اش شکاف طبقاتی و نارضایتی در جامعه خواهد بود. این مسأله

سال‌هاست که در کشورهای خارجی به آن پی برده‌اند و سیاست‌های خود را در مسیر کاهش مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی تغییر داده‌اند. در شرایط فعلی کشور که روز به روز تحریم‌ها بیشتر و زندگی برای اقشار کم درآمد سخت تر می‌گردد، تصمیمات دولت باید بسیار دقیق اتخاذ شود و هیچ عدد و رقمی بدون تحقیق و آزمایش تعیین نگردد. نارضایتی و عدم همدلی مردم می‌تواند دست‌آویز خوبی برای دشمنان گردد تا آن‌ها را در تحقق اهدافشان امیدوار کند.

۵. جمع بندی و نتیجه گیری

در گروه مالیات‌های مستقیم در مالیات‌های بر درآمد سهم مالیات بر مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی (تولید) معادل $317490/4$ میلیارد ریال بوده است که $31/3$ درصد از کل درآمد مالیاتی بوده و بدین معناست که این مالیات حدود 60 درصد از مالیات‌های مستقیم را به خود اختصاص داده است. به خاطر سهم بسیار عمده‌ای که مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی در سبد درآمدهای مالیاتی دولت دارد، تأثیرات چشمگیری در وضعیت اقتصادی جامعه می‌گذارد. اگر این ابزار ناکارآمد باشد یا بازدهی لازم را نداشته باشد، تبعات زیادی برای کشور خواهد داشت. در این تحقیق با بهره‌گیری از تحلیل داده ستانده و با استفاده از تطبیق استانداردهای COICOP و ISIC تأثیرات مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی (شرکت‌ها) بر هزینه خانوارهای شهری و روستایی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج حاکی از آن است که شرکت‌ها برای جبران مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی این هزینه را به طور یکسان روی قیمت محصولات خود می‌کشند و در نتیجه هزینه خانوارها در شهر و روستا بالا می‌رود. در این سیاست با خانواده‌هایی که در دهک‌های پایین قرار گرفته‌اند و خانواده‌هایی که در دهک‌های بالا قرار گرفته‌اند، به یک شکل برخورد می‌شود و این سیاست مالیاتی دولت به جای این که نتیجه‌اش بهبود توزیع درآمد در جامعه باشد، نتیجه‌ای جز افزایش اختلاف طبقاتی، به بار نخواهد داشت. یعنی افزایش قیمت‌ها به دهک‌های پایین جامعه فشار زیادی خواهد آورد و در دهک‌های بالا که از رفاه خوبی برخوردار هستند، کمتر احساس می‌شود. به عبارت دیگر نقطه اصابت مالیاتی در این نوع مالیات بیشتر قشر ضعیف تر جامعه هستند و قشر مرفه کمتر تحت تأثیر واقع می‌شوند.

مسئله مهم دیگر این است که تولیدکنندگان در هر کشوری نقش مهمی در اقتصاد دارند و در شرایط فعلی کشور ما اهمیت این صنف بسیار بالاتر رفته است. کاهش و یافتن جایگزین مناسب برای مالیات بر شرکت‌ها، می‌تواند سبب انگیزه بالا در تولید کنندگان داخلی شود و اقتصاد کشور را از بحران نجات دهد. تولیدکنندگان باید مورد حمایت قرار گیرند تا کارخانه‌ها و تولیدی‌ها روز به روز فعال‌تر و پر رونق‌تر شوند.

۶. پیشنهادها

اگر دولت بخواهد اثرات نامطلوب اجرای سیاست مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی که در این پژوهش بدان اشاره شد را پوشش دهد و جامعه را به نحوی مدیریت کند که تمام اقشار جامعه منتفع گردند و ظلمی در حق آن‌ها صورت نگیرد، یک راه این است که با پرداخت یارانه و کمک هزینه به اقشار ضعیف در برقراری برابری هر چه بیشتر (مطابق اهداف مشخص شده برای سیاست‌های مالیاتی) بکوشد و نقایص سیاست‌ها را جبران کند. یعنی با ارزیابی دقیق تغییر رفاه در جوامع و صنایع مختلف و اختصاص امتیازات و انتفاعات به دهک‌های پایین و ضعیف این اختلاف‌ها را پوشش دهد و از ایجاد نابرابری جلوگیری کند.

یک راه دیگر هم این است که از مالیات‌های غیرمستقیم به جای مالیات‌های مستقیم استفاده شود که تولیدکنندگان انگیزه بیشتری برای تولید پیدا کنند.

منابع

- ابونوری، ا. (۱۳۷۶). "اثر شاخص های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران". فصلنامه تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۷، صص ۹۵-۶۵.
- اطلاعات سری زمانی اقتصادی بانک مرکزی (۱۳۸۹).
- القرضاوی، ی. (۱۴۱۲). بیداری اسلامی بین غرور و افراط گرایی، دانشگاه القاهرة.
- بلوم، و. (۱۳۷۳). نظریه های نظام سیاسی، ترجمه احمد تدین.
- جولیوس، گک، و ویلیام ل، ک. (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی.
- حسینی م، زمانیان م و ز. رحیمی (۱۳۹۵). "ظرفیت های مالیاتی اقتصاد ایران؛ چالش ها و راهکارهای توسعه ای آن (با تأکید بر رویکرد اقتصاد مقاومتی)"، مطالعات و تحقیقات مالیاتی.
- خانزادی، آ، حیدریان، م و س. مرادی (۱۳۹۳). "بررسی و تحلیل نقش و اثرات درآمدهای مالیاتی بر توزیع درآمد و توسعه انسانی (مطالعه موردی کشور ایران)"، اقتصاد مقداری، ۱۱(۴).
- رضاقلی زاده، م. و م. آقایی (۱۳۹۴). "بررسی تأثیر مالیات های مستقیم بر توزیع درآمد در ایران"، فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۲(۴)، صص ۱۲۹-۱۵۶.
- رفیعی ح، عباسیان ع، سجادی ح، رهگذر م. و س. محقق کمال (۱۳۹۴). "نظر متخصصان ایرانی در مورد ابعاد و بیانگرهای شاخص رفاه اجتماعی ایران: یک مطالعه دلفی". نشریه رفاه اجتماعی.
- سپهر دوست، ح. و ص. زمانی شبخانه (۱۳۹۴). "بهبود پارتویی توزیع درآمد و سیاست گذاری مالیاتی"، سیاست های راهبردی و کلان.
- طالب، م. (۱۳۶۸). تأمین اجتماعی. بنیاد فرهنگی آستان قدس رضوی.
- طاهری فرد ع، قدیری نژادیان، م، کریمی بیرانوند، م. و ی. فروغی زاده (۱۳۹۴). "اثر افزایش نرخ ارز بر هزینه خانوار از کانال واردات: تحلیل داده ستانده". نشریه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران.
- غفارزاده، ا. (۱۳۹۳). آشنایی با قوانین و مقررات مالیات های مستقیم. مرکز پژوهش های مجلس.
- قاسمی نژاد، ا، جلالی اسفندآبادی، س، رستمی، ه، و ف. سلیمانی (۱۳۹۱). "بررسی و پیش بینی توزیع درآمد مناطق شهری و روستایی ایران در افق ۱۴۰۴". نشریه راهبرد اقتصادی.
- فراهانی فرد، س. (۱۳۸۴). "سازگاری بهره برداری از منابع طبیعی با توسعه پایدار در اسلام". رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

- گولد، ج. (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی. کتابخانه مرکزی دانشگاه صنعتی شریف.
- مدنی قهفرخی، س. (۱۳۷۹). به سوی نظام جامع رفاه اجتماعی. شورای برنامه ریزی سازمان بهزیستی کشور.
- ناصری گلغذاری، ر. (۱۳۷۵). "نقش مالیات در توزیع درآمد در خصوص ایران از سال ۱۳۷۰-۱۳۵۰". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- یزدانی، ف. (۱۳۸۳). "بحران نظام سرمایه". کتاب ماه علوم اجتماعی، ۸۷(۳)، صص ۲۲-۲۴.
- فلاحی، ف.، محمدزاده، پ. و ص. حکمتی (۱۳۹۲). "بررسی آثار رفاهی افزایش قیمت گروه‌های کالایی در خانوارهای شهری کشور". مجله تحقیقات اقتصادی، ۴۸(۲)، صص ۱۵۰-۱۳۱.
- مجتهد، ا. و ا. احمدیان (۱۳۸۶). "اثر درآمدهای مالیاتی دولت بر رفاه اجتماعی ایران"، ویژه نامه اقتصادی. صص ۴۵-۷۱.
- صامتی، م. امیری، ه. و س. ایزدی (۱۳۹۴)، "تأثیر نرخ‌های بهینه مالیات غیرمستقیم بر رفاه اجتماعی در ایران"، پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار (پژوهش‌های اقتصادی)، دوره ۱۵، شماره ۴، جلد ۱۵، شماره ۴، صص ۵۱-۷۴.
- دلایلی اصفهانی، ر.، صمدی، س. و ح. ایزدخواستی (۱۳۹۴)، تحلیل تأثیر مالیات توری بر تخصیص منابع و رفاه در اقتصاد ایران: ارائه یک الگوی رشد درون‌زای نئوکلاسیکی با لحاظ کردن فراغت و اثرات جانبی تولید، شماره ۱۱۱ ((وزارت علوم (۲۸/ ISC)، صص ۲۵۳ - ۲۸۰.
- مرزبان، ح. و همکاران (۱۳۹۵)، "محاسبه رفاه با سناریوهای متفاوت سیاست مالی در چارچوب مدل سیاست پولی و مالی بهینه"، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، دوره ۱۰، شماره ۳۶، صص ۲۵-۵۱.
- آرمان مهر، م. و آ. فذهمندمنش (۱۳۹۶)، "بررسی اثر تغییرات قیمت بر رفاه خانوارهای شهری به تفکیک دهک‌های درآمدی و گروه‌های کالایی"، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، دوره ۱۱، شماره ۳۹، صص ۴۹-۷۴.

Clarke M. and S. Islam (2009). "Economic Growth and Social Wellbeing: Operationalizing Normative Social Choice Theory", North Holland.

Clarke M. and I. Sardar (2002). "The Relationship between Economic Development and Social Welfare: A New Adjusted GDP Measure of Welfare". *Social Research Indicators*, 10(8), PP. 51-65.

Greg, M. (2006). *Critical Social Policy*, London.

Kammas A. and A. Lapatina (2015), "Income Inequality And The Tax Structure: Evidence From Developed and Developing Countries". *Journal of Comparative Economics*, No. 43, pp. 138-154.

- Midgely J.** (2000), *Context of Welfare Theory: A Develop Mentalist in Perpetration*, Center for Social Development.
- Mon A.** (2008), "The Interplay between Social Welfare and Competitiveness: The Case of Canadian Medicare", *Geoforum*, (2)1, pp. 42-68.
- Moore S.** (2002), *Social Welfare Alive*, University of Chicago, 3rd Edition.
- Orbell J. and R. Dawes** (2005), "Social Welfare, Co-operators Advantage and the Option of not Playing the Game". *American Sociological Review*, (8)5, pp. 54-56.
- Munk K. and K. A.** (1977), "Welfare Effects of Tax and Price Changes: A correction", *Journal of Public Economics*, pp. 103-107.
- Ramirez J.** (2002), "Redistribution and Fiscal Policy". *Federal Reserve Bank of Atlanta*.
- Moore D.** (2005), "Slovakia's 2004 Tax and Welfare Reforms", *International Monetary Fund* (IMF).
- Matsuzaki D.** (2018), "The Effect of the Consumption Tax on Economic Growth and Welfare with Money and Endogenous Fertility", *Seoul Journal of Economics*, vol. 31, No. 4.
- Chen and Partners** (2015), "Environmental Externality of Coal use in China: Welfare effect and tax regulation", *Applied Energy*, Volume 156, pp.16-31.
- Mathieu-Bolh N.** (2015), "Welfare Improving Distributionally Neutral Tax Reforms", *Economic Modelling*, 27(5), pp.1253-1268.
- Ochmann R.** (2011), Distributional and Welfare Effects of Germany's Year 2000 Tax Reform, *German Institute for Economic Research* (DIW Berlin), DIW Berlin Discussion Paper No. 1083.
- Yoon S. and Y. Moon** (2016), "Effects of Welfare Expenditure and Tax Rate Raising Policy on the Relationship Between Tax Rate and Tax Revenue in OECD Countries", *Research Journal of Business, Management*, 10 (1-3), pp. 26-35.